



Investigating the Role of Parental Discipline and Schematic Vulnerable Child Mentions in Married Students' Emotional Divorce: The Modifying Role of Coping Styles

Leila Shiri ^{1*}, Hasan Mirzahoseini ², Masoud Rezaei ³

1 Islamic Azad University, Qom Branch

2 Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2 Department of Management and Economic, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Islamic Azad University, Qom Branch

Received: 2022-04-20

Accepted: 2022-05-19

Abstract

Introduction: Today, in many societies, we see emotional divorce and formal divorce, which can cause negative physical and psychological effects on couples, their children or even society. In this regard, the present study was conducted with the aim of investigating the role of punitive parent and vulnerable child schemas in emotional divorce among students of Qom Azad University in the academic year 1399-1400.

Methods: The sample size was 298 people by available sampling method. The instruments used were the Guttman Emotional Divorce Questionnaire and the Andler and Parker Stress Scale. Data were collected and analyzed using hierarchical regression method in SPSS software.

Results and Conclusion: The results showed that the mentality of the punishing parent has a positive and significant relationship with the emotion-oriented coping style. Also, this mentality has a negative and significant relationship with the problem-oriented coping style. The mentality of the punishing parent has a positive and significant relationship with the avoidant coping style; This mentality also has a positive and significant direct relationship with emotional divorce. Vulnerable child mentality has a positive and significant relationship with emotion-oriented coping style. Vulnerable child mentality has a negative and significant relationship with problem-oriented coping style. Vulnerable child mentality has a positive and significant relationship with avoidant coping style; Vulnerable child mentality also has a direct and positive relationship with emotional divorce.

Keywords: Schematic mentalities, Coping styles, Emotional divorce, Schema therapy



بررسی نقش ذهنیت‌های والد تنبیه گر و کودک آسیب پذیر طرحواره ای در طلاق عاطفی دانشجویان متأهل: نقش تعدیل کننده‌ی سبک‌های مقابله‌ای

لیلا شیرینی*^۱، حسن میرزاحسینی^۲، مسعود رضایی^۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی قم

^۲ دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم

^۳ دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی قم

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱

چکیده

امروزه در بسیاری از جوامع شاهد طلاق عاطفی و طلاق رسمی هستیم که می‌تواند سبب بروز عوارض منفی جسمانی و روانی در زوجین، کودکان آنها و یا حتی اجتماع شود. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ذهنیت‌های والد تنبیه گر و کودک آسیب پذیر طرحواره ای در طلاق عاطفی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد قم در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ انجام گرفت. حجم نمونه ای ۲۹۸ نفری با روش نمونه گیری در دسترس صورت گرفت. ابزار مورد استفاده عبارت بودند از پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن و مقیاس مقابله با شرایط پر استرس اندلر و پارکر. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از روش رگرسیون سلسله مراتبی در قالب نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که ذهنیت والد تنبیه گر دارای رابطه مثبت و معنادار با سبک مقابله ای هیجان مدار می باشد. همچنین این ذهنیت دارای رابطه منفی و معنادار با سبک مقابله ای مسئله مدار می باشد. ذهنیت والد تنبیه گر دارای رابطه مثبت و معنادار با سبک مقابله اجتنابی می باشد؛ همچنین این ذهنیت دارای رابطه مثبت و معنادار با طلاق عاطفی نیز می‌باشد. ذهنیت کودک آسیب پذیر دارای رابطه مثبت و معنادار با سبک مقابله ای هیجان مدار می باشد. ذهنیت کودک آسیب پذیر دارای رابطه منفی و معنادار با سبک مقابله ای مسئله مدار میباشد. ذهنیت کودک آسیب پذیر دارای رابطه مثبت و معنادار با سبک مقابله اجتنابی می باشد؛ ذهنیت کودک آسیب پذیر دارای رابطه مستقیم و مثبت با طلاق عاطفی می باشد.

واژگان کلیدی: ذهنیت‌های طرحواره ای، سبک‌های مقابله ای، طلاق عاطفی، طرحواره درمانی

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو در علوم تربیتی محفوظ است.

مقدمه

افزایش پیدا کرده است. همچنین نسبت ازدواج به طلاق در استان قم نیز هر ساله کاهش می یابد. به طوری که در سال ۱۳۹۰ از ۱۳۷۰۶ ازدواج ثبت شده، ۲۴۲۶ طلاق وجود داشته است یعنی نسبت ازدواج به طلاق در این سال ۵/۶ بوده و در سال ۱۳۹۸ از ۷۴۲۱ ازدواج ثبت شده، ۲۹۷۳ طلاق وجود داشت

بررسی آمار طلاق در سازمان ثبت احوال کشور از سال ۱۳۸۵ تاکنون نشان دهنده افزایش سالانه میزان طلاق در کشور است. به طوری که از تعداد ۹۴۰۳۹ طلاق در سال (۱۳۸۵) به ۱۷۴۸۳۱ طلاق در سال (۱۳۹۸) به ازای ۶۰۵۴۰۴ مورد ازدواج

شده که طلاق عاطفی بیش از دو برابر طلاق رسمی است [۱۰]. و منابع مختلف آمارهای متفاوتی از نرخ طلاق عاطفی ارائه می‌دهند، اما به نظر می‌رسد آمار واقعی طلاق عاطفی از آمارهای موجود بالاتر باشد، چراکه طلاق عاطفی به صورت رسمی ثبت نمی‌شود [۱۱].

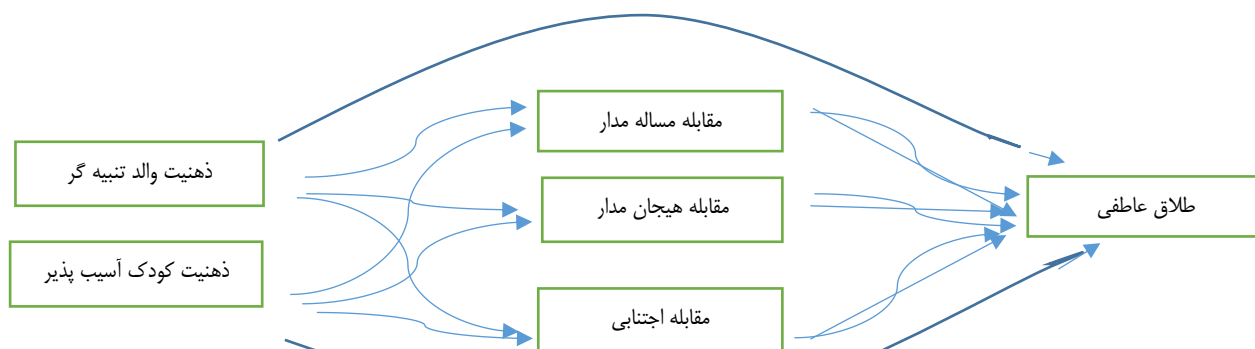
در کل، مطالب گفته شده بیانگر این موضوع است که طلاق عاطفی مقدمه جدایی و طلاق زوجین است. بنابراین همین امر را می‌توان یکی از مهمترین دلایل اهمیت بررسی طلاق عاطفی به شمار آورد. از این رو حل و فصل تعارضات زناشویی و جلوگیری از آسیب طلاق مستلزم توجه به سازه‌های مرتبط و تقویت کننده آنها و شناسایی عوامل تاثیر گذار بر طلاق است. شاید بتوان یکی از دلایل عمیق شدن شکاف رابطه در موضوعات مربوط به طلاق عاطفی در وهله اول و طلاق رسمی در مراحل بعدی را سبک‌های مقابله‌ای هر یک از زوجین در هنگام بروز این وقایع و نشانه‌های آن دانست. مقابله، تلاشی است که فرد برای موقعیتی که نیاز به سازگاری دارد، انجام می‌دهد تا محرک تنش را حذف و یا تقلیل دهد [۱۲]. هر فردی بر اساس سبک زندگی و ویژگی‌های شخصی خود، برای مقابله با فشارهای روانی از یک نوع سبک مقابله‌ای استفاده می‌کند [۱۳]. فولکمن و لازاروس^۱ مقابله را تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد برای غلبه بر تنیدگی و تحمل کردن یا به حداقل رساندن اثر آن می‌دانند. ذهنیت‌های طرحواره‌ای به عنوان هسته‌های اصلی که مفاهیم روان‌شناختی (طرحواره‌ها) در چارچوب آن‌ها فعال می‌شوند، نقش مهمی در پیش‌بینی کیفیت زندگی زناشویی افراد ایفا می‌کنند [۱۴]. پژوهش حاضر سعی در بررسی تأثیر متغیرهای ذهنیت‌های والدت‌بنیه‌گر و کودک آسیب‌پذیر طرحواره‌ای و سبک‌های مقابله‌ای بر احتمال طلاق عاطفی دارد، که در صورت اثبات تأثیر متغیرهای فوق با کنترل این متغیرها می‌توان از بروز طلاق عاطفی پیشگیری کرد که این امر خود موجب بالا بردن سطح بهداشت روانی خانواده و به تبع آن جامعه می‌گردد.

بر اساس مدل پیشنهادی سبک‌های مقابله‌ای در رابطه‌ی میان ذهنیت‌های والدت‌بنیه‌گر و کودک آسیب‌پذیر، و طلاق عاطفی به عنوان متغیر میانجی دخالت می‌کنند (شکل ۱).

یعنی نسبت ازدواج به طلاق در این سال ۲/۴ است. این آمارها نشان دهنده لزوم توجه به این موضوع حیاتی است. از سویی علائم روانی عاطفی طلاق؛ مانند ناکامی، ماتم زدگی، نگرانی، وحشت، اضطراب، ترس، خشم و... طرفین را در وضعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهد [۱]. طلاق پدیده‌ای است قراردادی که به زن و مرد امکان می‌دهد تا تحت شرایطی، پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند [۲]. پژوهش‌های متعددی نشان دهنده آثار و عوارض منفی جسمی و روانی، اخلاقی و اجتماعی طلاق برای مردان و زنان مطلقه، فرزندان طلاق و اجتماع می‌باشد. طلاق و جدایی اثرات منفی زیادی چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ جسمانی بر زوجین به جا می‌گذارد [۳]. این اثرات منفی شامل افزایش خطر بیماری‌های روانی، افزایش بیماری‌های جسمانی، خودکشی، تصادفات منجر به مرگ، خشونت و قتل می‌باشد. طلاق یک رویداد نسبتاً شایع استرس‌زا در زندگی است که علتی برای افزایش مرگ و میر می‌باشد [۴].

این موارد از سویی است که آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگتر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد؛ یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند [۵]. طلاق عاطفی، فاصله‌ی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته‌اند؛ هرچند یکی از آنها ممکن است این ناپختگی را تأیید یا انکار کند. این نوع طلاق، نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر و نیز متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است [۶]. این نوع طلاق، مربوط به خانواده‌هایی است که به دلایلی مانند سنت‌های حاکم بر خانواده یا باورهای نادرست و نگرش منفی جامعه به زن مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند به اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند [۷].

طلاق پدیده‌ای است قراردادی که به زن و مرد امکان می‌دهد تا تحت شرایطی، پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند [۲]. در طلاق عاطفی اگرچه زوجها به صورت قانونی از هم جدا نمی‌شوند، اما روابط عاطفی زیادی باهم ندارند [۸]. طلاق عاطفی اولین مرحله طلاق دائمی است [۹]. از میزان شیوع آن آمار دقیقی در دست نیست [۸]. در برخی منابع گفته



شکل ۱. مدل پیشنهادی

برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات را با هم جمع می‌نماییم. هر چه نمره فرد در این ذهنیت‌ها بیشتر باشد، حاکی از انعطاف‌پذیری آن ذهنیت است. بنابراین نمرات بالا نشانگر حاکمیت آن ذهنیت بر سیستم پردازش اطلاعات است. از آنجایی که ذهنیت‌ها خیلی زود عوض می‌شوند، بنابراین احتمال دارد که بیمار در جلسات متفاوت در ذهنیت‌های مختلفی نمره بالا بگیرد. روایی پرسشنامه با استفاده از نقطه نظرات سه نفر خبر و عضو هیات علمی گروه روانشناسی، خوب ارزیابی و تایید شده است. آلفای این پرسشنامه بالای ۰.۷۰ درصد بدست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این پرسشنامه می‌باشد. طبق تحقیقات انجام شده توسط لابستایل و همکاران^۲ (۲۰۰۵) [۱۵] در مورد پایایی این پرسشنامه، همبستگی درونی خرده‌مقیاس‌ها از طریق الفای کرونباخ از ۰.۷۶ تا ۰.۹۶ و با میانگین ۰.۸۹ می‌باشد. در ایران پایایی این پرسشنامه به روش الفای کرونباخ در مطالعه‌ی حنایی و همکاران^۳ [۱۶] ۱۳۹۴ به میزان ۰.۹۰ گزارش شده است.

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن^۳: این پرسشنامه از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن گرفته شده است. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۸ نوشته شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف است. این مقیاس ۲۴ سوال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد [۱۷]. برای بدست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس^۴ و آزمون اسکری^۴ استفاده شد و بدین صورت چهار عامل شناسایی شد: جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی‌حوصلگی و بیقراری. بار عاملی همه سوالات در دامنه ۰.۴۹ تا ۰.۸۰ قرار داشته و بار عاملی مقبولی دارند. روایی صوری آن نیز توسط متخصصان تأیید شده است. در پژوهش احمدلو و زینالی^{۱۳۹۷} [۱۸]. روایی این ابزار تأیید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰.۸۷ به دست آمد. در

روش

پژوهش حاضر از لحاظ زمانی از نوع مقطعی می‌باشد چون در سال ۱۴۰۰ انجام گرفت و از لحاظ ژرفایی از نوع تحقیقات پهنانگر و از لحاظ معیار اجرایی تحقیق کاربردی، از نظر گردآوری اطلاعات جزو روش‌های تحقیق اسنادی و میدانی محسوب می‌شود. این تحقیق با توجه به اینکه از لحاظ روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته از نوع مطالعات همبستگی و با توجه به این که شامل جمع‌آوری اطلاعات به طور مستقیم از گروهی از افراد بود و نتایج به دست آمده از نمونه به کل جامعه آماری تعمیم داده می‌شود از نوع پیمایشی می‌باشد و با توجه به این که محقق هیچ نوع دخل و تصرفی در متغیرهای مستقل ندارد از این لحاظ جزو تحقیقات پس‌رویدادی محسوب می‌شود. جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل تمامی دانشجویان متأهل (کارشناسی و کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود که تعداد آن‌ها بنابر اعلام مسئولین آموزش دانشگاه ۴۱۲۵ نفر بود. نمونه آماری شامل ۲۹۸ نفر از اعضای جامعه آماری مذکور بود که براساس جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل متأهل بودن، نداشتن بیماری جسمی خاص، نداشتن سابقه طلاق و عدم استفاده از مداخلات روانشناختی در مدت زندگی مشترک و قرار داشتن در دامنه سنی ۱۸-۴۵ سال و ملاک‌های خروج از مطالعه شامل عدم رضایت از شرکت در پژوهش، داشتن سابقه طلاق و پاسخ‌دهی ناقص به پرسشنامه‌ها بود.

ابزار

پرسشنامه ذهنیت‌های طرحواره‌ای: این پرسشنامه دارای ۱۲۴ سوال بوده و هدف آن سنجش ۱۴ ذهنیت طرح‌واره‌ای است برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سوالات مربوط به آن بعد را با هم جمع می‌نماییم.

نمره گذاری پژوهشگر می تواند به این سؤالات گزینه ۳ را علامت بزند اما در غیر این صورت یعنی اگر بیش از ۵ سؤال بدون پاسخ باشد آن پرسشنامه نمره گذاری نمی شود. رویارویی به این شکل است که نمره ی هر یک از رفتارهای رویارویی سه گانه یعنی مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی از ۱۶ تا ۸۰ است. یعنی هر یک از شیوه های رویارویی ۱۶ سؤال را در بر می گیرد. شیوه رویارویی غالب فرد با توجه به نمره ای که در آزمون کسب می کند مشخص می شود. یعنی هر کدام از رفتارها نمره بالاتری را کسب کند، آن رفتار به عنوان شیوه رویارویی فرد در نظر گرفته می شود [۲۲]. برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه سبک های مقابله با استرس در گروه دانشجویان از آلفای کرونباخ استفاده شده است. که در مقابله مساله مدار پسران ۰,۹۲ و دختران ۰,۸۵ و هیجان مدار پسران ۰,۸۲ و دختران ۰,۸۵ اجتنابی پسران ۰,۸۵ و دختران ۰,۸۲ به دست آمده است. ضریب اعتبار پرسشنامه با موقعیت های استرس زا از طریق آلفای کرونباخ در پژوهش قریشی در سطح بالایی ۰,۸۱ به دست آمده است [۲۲]. رویی پرسشنامه مذکو نیز طی تحقیقاتی که در ایران انجام شده ثابت گردیده است. به منظور محاسبه همبستگی عوامل پرسشنامه مقابله استرس از ضریب همبستگی پیرسون^۷ استفاده گردیده و نتایج ذیل به دست آمده است: مساله مدار ۰,۵۸، هیجان مدار ۰,۵۵، اجتنابی ۰,۹۳ [۲۲].

پژوهش علاقبند، شریفی، فرزاد و آقاییوسفی [۱۳۹۹] [۵]. نیز پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰,۹۱ به دست آمد. در پژوهش مامی و عسگری [۱۳۹۳] [۱۹]. آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه ۸۳ ذکر شده است. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه توسط نل خبرگان پژوهش مطلوب گزارش شده است. پایایی کل این آزمون در پژوهش موسوی و رحیمی نژاد [۱۳۹۴] [۲۰] با استفاده از آلفای کرونباخ ۰,۹۳ بدست آمده است.

مقیاس مقابله با شرایط پر استرس اندلر و پارکر^۸:

این پرسشنامه توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) [۲۱] تهیه شده و به وسیله اکبرزاده ۱۳۷۶ ترجمه شده است. این تست شامل ۴۸ ماده است که پاسخ ها به روش لیکرت از هرگز (۱) تا همیشه (۵) مشخص شده است. پرسشنامه (CLSS) سه زمینه ی اصلی رفتارهای مقابله ای را در بر می گیرد. مؤلفه های پرسشنامه: ۱- مقابله مساله مدار یا برخورد فعال با مساله در جهت مدیریت و حل آن (۱۶ ماده). ۲- مقابله هیجان مدار یا تمرکز بر پاسخ های هیجانی به مساله (۱۶ ماده). ۳- مقابله اجتنابی یا فرار از مساله، این زیر مقیاس خود به دو بعد سرگرمی اجتماعی و توجه گردانی تقسیم می شود (۱۶ ماده). با توجه به اینکه به صورت ۵ درجه لیکرت می باشد حداکثر نمره برای هر ماده ۵ و حداقل ۱ می باشد. آزمودنی بایستی به همه سؤالات پاسخ دهد. اگر آزمودنی تعداد ۵ سؤال یا کمتر از ۵ سؤال را جواب ندهد باشد در زمان

جدول ۱. شاخص های توصیفی متغیرهای اعمال شده در پژوهش

شاخص آماری متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
ذهنیت والد تنبیه گر	۲۹۸	۳۷/۰۵	۳/۸۴۴	۳/۹
ذهنیت کودک آسیب پذیر	۲۹۸	۳۲/۷۸	۳/۰۰۴	۳/۷
سبک مقابله مساله مدار	۲۹۸	۵۰/۲۷	۳/۶۱۴	
سبک مقابله هیجان مدار	۲۹۸	۴۲/۵۲	۳/۷۴۲	
سبک مقابله اجتنابی	۲۹۸	۴۶/۸۶	۳/۵۰۲	
طلاق عاطفی	۲۹۸	۱۰/۱۹	۵/۰۳۳	

یافته ها

جدول ۲ یافته های توصیفی ذهنیت کودک آسیب پذیر و ذهنیت والد تنبیه گر طحواراهی را نشان می دهد.

جدول ۲- یافته های توصیفی ذهنیت کودک آسیب پذیر و ذهنیت والد تنبیه گر طحواراهی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
ذهنیت کودک آسیب پذیر	۳۲/۷۸	۳/۰۰۴	۳۹	۲۵
ذهنیت والد تنبیه گر	۳۷/۰۵	۳/۸۴۴	۴۵	۲۹

جدول ۳ یافته های توصیفی سبک های مقابله ای (مقابله مساله مدار، مقابله هیجان مدار و مقابله اجتنابی) را نشان می دهد.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳- یافته‌های توصیفی سبک‌های مقابله‌ای

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
مقابله مساله‌مدار	۵۰/۲۷	۳/۶۱۴	۶۱	۴۳
مقابله هیجان‌مدار	۴۲/۵۲	۳/۷۴۲	۵۰	۳۲
مقابله اجتنابی	۴۶/۸۶	۳/۵۰۲	۵۳	۳۸

جدول ۴ یافته‌های توصیفی متغیر طلاق عاطفی را نشان می‌دهد.

جدول ۴- یافته‌های توصیفی متغیر طلاق عاطفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
طلاق عاطفی	۱۰/۱۹	۵/۰۳۳	۲۲	۰

یافته‌های استنباطی

بر اساس نتایج جدول ۵، مقدار سطح معناداری متغیرهای پژوهش (ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، ذهنیت والد تنبیه‌گر، مقابله مساله‌مدار، مقابله هیجان‌مدار، مقابله اجتنابی و طلاق عاطفی)

بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است. لذا استفاده از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی جهت بررسی رابطه بین آن‌ها بلامانع است.

جدول ۵- آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای مفروضه نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرها	آماره کولموگروف اسمیرنوف (K-S)	سطح معناداری (sig)
ذهنیت کودک آسیب‌پذیر	۱/۲۶۸	۰/۰۸۰
ذهنیت والد تنبیه‌گر	۱/۲۲۱	۰/۱۰۱
مقابله مساله‌مدار	۱/۲۱۰	۰/۱۰۷
مقابله هیجان‌مدار	۱/۱۳۴	۰/۱۵۳
مقابله اجتنابی	۱/۳۲۷	۰/۰۵۹
طلاق عاطفی	۰/۸۶۶	۰/۴۴۱

در جدول ۶ ضرایب همبستگی پیرسون بین ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، ذهنیت والد تنبیه‌گر و سبک‌های مقابله‌ای با طلاق عاطفی ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین ذهنیت کودک آسیب‌پذیر و ذهنیت والد تنبیه‌گر با طلاق عاطفی به ترتیب برابر با (۰/۱۹۴ و ۰/۱۹۹) بدست آمده است. بنابراین بین ذهنیت کودک آسیب‌پذیر و ذهنیت والد تنبیه‌گر با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین مقابله

مساله‌مدار با طلاق عاطفی برابر با (۰/۱۸۲-) بدست آمده است. بنابراین بین مقابله مساله‌مدار با طلاق عاطفی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین مقابله هیجان‌مدار و مقابله اجتنابی با طلاق عاطفی به ترتیب برابر با (۰/۱۴۵ و ۰/۱۵۴) بدست آمده است. بنابراین بین مقابله هیجان‌مدار و مقابله اجتنابی با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول ۶- ضرایب همبستگی پیرسون بین ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، ذهنیت والد تنبیه‌گر و سبک‌های مقابله‌ای با طلاق عاطفی (n=۲۹۸)

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری (sig)
ذهنیت کودک آسیب‌پذیر	**۰/۱۹۴	۰/۰۰۱
ذهنیت والد تنبیه‌گر	**۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
مقابله مساله‌مدار	**۰/۱۸۲	۰/۰۰۲
مقابله هیجان‌مدار	**۰/۱۴۵	۰/۰۱۲
مقابله اجتنابی	**۰/۱۵۴	۰/۰۰۸

** = p < ۰/۰۱ * = p < ۰/۰۵

در جدول ۷ ضرایب همبستگی پیرسون بین ذهنیت کودک آسیب‌پذیر و ذهنیت والد تنبیه‌گر با سبک‌های مقابله‌ای ارائه شده است.

جدول ۷- ضرایب همبستگی پیرسون بین ذهنیت کودک آسیب‌پذیر و ذهنیت والد تنبیه‌گر با سبک‌های مقابله‌ای (n=۲۹۸)

متغیرها	مقابله مساله‌مدار	مقابله هیجان‌مدار	مقابله اجتنابی
ذهنیت کودک آسیب‌پذیر	-۰/۰۶۵	۰/۰۲۷	۰/۰۶۸
ذهنیت والد تنبیه‌گر	-۰/۰۵۷	۰/۱۳۲	*۰/۱۲۰

** = $p \leq 0.01$ * = $p \leq 0.05$

فرضیه‌های پژوهش

۱- ذهنیت والد تنبیه‌گر طرحواره‌ای به صورت مستقیم و از طریق سبک‌های مقابله‌ای بر روی طلاق عاطفی تاثیر می‌گذارد.

جدول ۸- خلاصه مدل رگرسیون سلسله مراتبی ذهنیت والد تنبیه‌گر و طلاق عاطفی با نقش تعدیل‌کننده سبک‌های مقابله‌ای به روش بارون و کنی

سطح معناداری	متغیرهای پیش‌بین	F	سطح معناداری	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	بتا	t	سطح معناداری
گام ۱	ذهنیت والد تنبیه‌گر	۱۲/۱۵۴	۰/۰۰۱	۰/۱۹۹	۰/۰۳۹	۰/۱۹۹	۳/۴۸۶	۰/۰۰۱
گام ۲	ذهنیت والد تنبیه‌گر	۱۱/۴۸۰	۰/۰۰۱	۰/۲۶۹	۰/۰۷۲	۰/۱۹۷	۳/۵۱۸	۰/۰۰۱
	مقابله مساله‌مدار						-۳/۲۲۸	۰/۰۰۱
گام ۱	ذهنیت والد تنبیه‌گر	۱۲/۱۵۴	۰/۰۰۱	۰/۱۹۹	۰/۰۳۹	۰/۱۹۹	۳/۴۸۶	۰/۰۰۱
گام ۲	ذهنیت والد تنبیه‌گر	۱۱/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۲۶۳	۰/۰۶۹	۰/۱۹۵	۳/۹۱۱	۰/۰۰۰
	مقابله هیجان‌مدار						۳/۰۸۳	۰/۰۰۲
گام ۱	ذهنیت والد تنبیه‌گر	۱۲/۱۵۴	۰/۰۰۱	۰/۱۹۹	۰/۰۳۹	۰/۱۹۹	۳/۴۸۶	۰/۰۰۱
گام ۲	ذهنیت والد تنبیه‌گر	۸/۸۶۳	۰/۰۰۱	۰/۲۳۸	۰/۰۵۷	۰/۱۸۳	۳/۲۰۸	۰/۰۰۱
	مقابله اجتنابی						۲/۳۲۲	۰/۰۲۱

کاهش یافته اما هنوز مقدار معنادار است (از بتا برابر با ۰/۱۹۹ در مرحله اول به بتا برابر با ۰/۱۹۷ در دومین مرحله، شرط چهارم بارون و کنی ۱۹۸۶)، که بر اساس پیشنهاد بارون و کنی ۱۹۸۶، اگر با ورود متغیر تعدیل‌کننده به معادله رگرسیون، ضریب متغیر مستقل به سمت صفر میل کند تعدیل‌کنندگی مورد تایید قرار می‌گیرد.

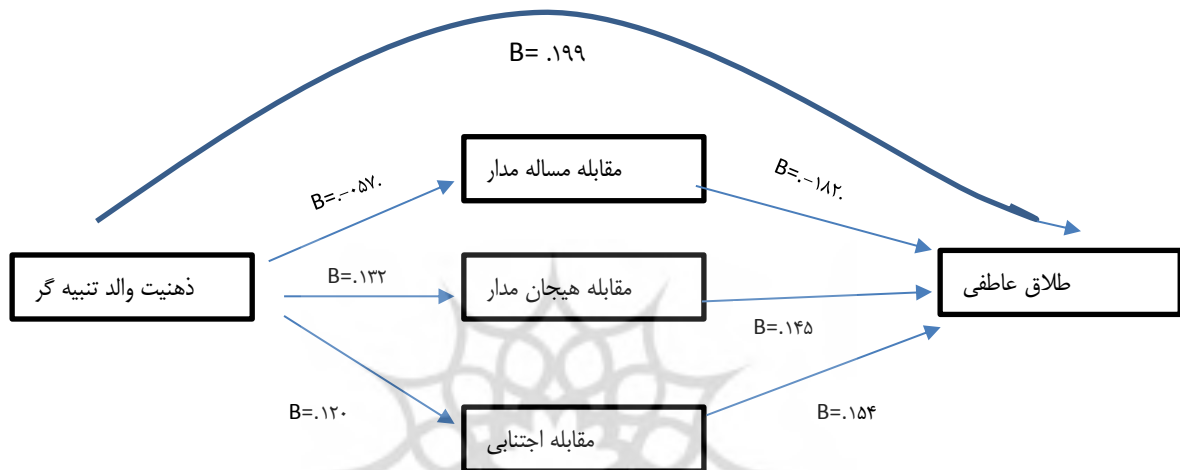
بین مسیر ذهنیت والد تنبیه‌گر و مقابله هیجان‌مدار (۰/۱۳۲) رابطه مثبت و معنادار و بین مسیر ذهنیت والد تنبیه‌گر و طلاق عاطفی (۰/۱۹۹) همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در بررسی نقش تعدیل‌کنندگی مقابله هیجان‌مدار برای ذهنیت والد تنبیه‌گر و طلاق عاطفی، در مرحله اول مقدار بتای طلاق عاطفی بر روی ذهنیت والد تنبیه‌گر (۰/۱۹۹) محاسبه گردید که ضریب بدست آمده به صورت مثبت و معنادار است ($p < 0.01$). برای کنترل نقش ذهنیت والد تنبیه‌گر و تعیین تعدیل‌کنندگی مقابله هیجان‌مدار، رگرسیون سلسله مراتبی طلاق عاطفی روی ذهنیت والد تنبیه‌گر و مقابله هیجان‌مدار محاسبه گردید.

در این مرحله توان پیش‌بینی متغیر ذهنیت والد تنبیه‌گر نسبت به مرحله ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی

طبق جداول ۶، ۷ و ۸، بین مسیر ذهنیت والد تنبیه‌گر و مقابله مساله‌مدار (۰/۰۵۷) رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین مسیر ذهنیت والد تنبیه‌گر و طلاق عاطفی (۰/۱۹۹) (شرط اول و دوم پیشنهادی بارون و کنی^۱، ۱۹۸۶) همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ذهنیت والد تنبیه‌گر پیش‌بینی‌کننده معنادار طلاق عاطفی است و ۳/۹ درصد واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند. نتایج مرحله اول تایید می‌کند که بین متغیر ملاک (طلاق عاطفی) و پیش‌بین (ذهنیت والد تنبیه‌گر) رابطه معنادار وجود دارد (شرط سوم پیشنهادی بارون و کنی ۱۹۸۶). در بررسی نقش تعدیل‌کننده مقابله مساله‌مدار برای ذهنیت والد تنبیه‌گر و طلاق عاطفی به روش رگرسیون سلسله مراتبی، در مرحله اول مقدار بتای طلاق عاطفی بر روی ذهنیت والد تنبیه‌گر (۰/۱۹۹) محاسبه گردید که ضریب بدست آمده به صورت مثبت و معنادار است ($p < 0.01$). برای کنترل نقش ذهنیت والد تنبیه‌گر و تعیین تعدیل‌کنندگی مقابله مساله‌مدار، رگرسیون سلسله مراتبی طلاق عاطفی روی ذهنیت والد تنبیه‌گر و مقابله مساله‌مدار محاسبه گردید. در این مرحله توان پیش‌بینی متغیر ذهنیت والد تنبیه‌گر نسبت به مرحله ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی

است ($p < 0/01$). برای کنترل نقش ذهنیت والدتنبیه گر و تعیین تعدیل کنندگی مقابله اجتنابی، رگرسیون سلسله مراتبی طلاق عاطفی روی ذهنیت والدتنبیه گر و مقابله اجتنابی محاسبه گردید. در این مرحله توان پیش بینی متغیر ذهنیت والدتنبیه گر نسبت به مرحله ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی کاهش یافته اما هنوز مقدار معنادار است (از بتا برابر با $0/199$ در مرحله اول به بتا برابر با $0/183$ در دومین مرحله)، لذا تعدیل کنندگی مورد تایید قرار می گیرد.

کاهش یافته است (از بتا برابر با $0/199$ در مرحله اول به بتا برابر با $0/195$ در دومین مرحله)، لذا تعدیل کنندگی مورد تایید قرار می گیرد. بین مسیر ذهنیت والدتنبیه گر و مقابله اجتنابی ($0/120$) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین مسیر ذهنیت والدتنبیه گر و طلاق عاطفی ($0/199$) همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در بررسی نقش تعدیل کنندگی مقابله اجتنابی برای ذهنیت والدتنبیه گر و طلاق عاطفی، در مرحله اول مقدار بتای طلاق عاطفی بر روی ذهنیت والدتنبیه گر ($0/199$) محاسبه گردید که ضریب بدست آمده به صورت مثبت و معنادار



شکل ۲- مدل مقابله مساله مدار، مقابله هیجان مدار و مقابله اجتنابی به عنوان تعدیل کننده بین ذهنیت والدتنبیه گر و طلاق عاطفی

۲- ذهنیت کودک آسیب پذیر طرحواره‌ای به صورت مستقیم و از طریق سبک های مقابله ای بر روی طلاق عاطفی تاثیر می گذارد.

جدول ۹- خلاصه مدل رگرسیون سلسله مراتبی ذهنیت کودک آسیب پذیر و طلاق عاطفی با نقش تعدیل کننده سبک های مقابله ای به روش بارون و کنی

سطح معناداری	t	بتا	مجدور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معناداری	F	متغیرهای پیش بین	
0/001	3/394	0/194	0/37	0/194	0/001	11/520	ذهنیت کودک آسیب پذیر	گام ۱
0/001	3/236	0/182	0/66	0/258	0/001	10/496	ذهنیت کودک آسیب پذیر	گام ۲
0/003	-3/026	-0/171					مقابله مساله مدار	
0/001	3/394	0/194	0/37	0/194	0/001	11/520	ذهنیت کودک آسیب پذیر	گام ۱
0/001	3/355	0/190	0/57	0/239	0/001	8/940	ذهنیت کودک آسیب پذیر	گام ۲
0/014	2/482	0/140					مقابله هیجان مدار	
0/001	3/394	0/194	0/37	0/194	0/001	11/520	ذهنیت کودک آسیب پذیر	گام ۱
0/001	3/247	0/184	0/57	0/240	0/001	8/992	ذهنیت کودک آسیب پذیر	گام ۲
0/013	2/502	0/142					مقابله اجتنابی	

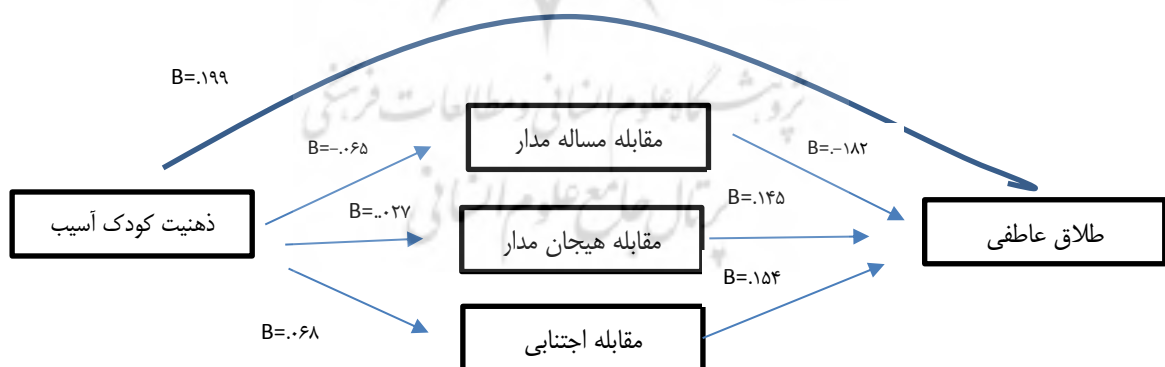
همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان می دهد که ذهنیت کودک آسیب پذیر پیش بینی کننده معنادار طلاق عاطفی است و 3/7 درصد واریانس طلاق عاطفی را پیش بینی

طبق جداول ۶، ۷ و ۸، بین مسیر ذهنیت کودک آسیب پذیر و مقابله مساله مدار ($-0/065$) رابطه منفی و معنادار وجود دارد. بین مسیر ذهنیت کودک آسیب پذیر و طلاق عاطفی ($0/194$)

نقش ذهنیت کودک آسیب پذیر و تعیین تعدیل کنندگی مقابله هیجان مدار، رگرسیون سلسله مراتبی طلاق عاطفی روی ذهنیت کودک آسیب پذیر و مقابله هیجان مدار محاسبه گردید. در این مرحله توان پیش بینی متغیر ذهنیت کودک آسیب پذیر نسبت به مرحله ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی کاهش یافته است اما هنوز مقدار معنادار است (از بتا برابر با ۰/۱۹۴ در مرحله اول به بتا برابر با ۰/۱۹۰ در دومین مرحله)، لذا تعدیل کنندگی مورد تایید قرار می گیرد. بین مسیر ذهنیت کودک آسیب پذیر و مقابله اجتنابی (۰/۰۶۸) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین مسیر ذهنیت کودک آسیب پذیر و طلاق عاطفی (۰/۱۹۴) همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در بررسی نقش تعدیل کنندگی مقابله اجتنابی برای ذهنیت کودک آسیب پذیر و طلاق عاطفی، در مرحله اول مقدار بتای طلاق عاطفی بر روی ذهنیت کودک آسیب پذیر (۰/۱۹۴) محاسبه گردید که ضریب بدست آمده به صورت مثبت و معنادار است (p<۰/۰۱). برای کنترل نقش ذهنیت کودک آسیب پذیر و تعیین تعدیل کنندگی مقابله اجتنابی، رگرسیون سلسله مراتبی طلاق عاطفی روی ذهنیت کودک آسیب پذیر و مقابله اجتنابی محاسبه گردید. در این مرحله توان پیش بینی متغیر ذهنیت کودک آسیب پذیر نسبت به مرحله ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی کاهش یافت اما هنوز مقدار معنادار است (از بتا برابر با ۰/۱۹۴ در مرحله اول به بتا برابر با ۰/۱۸۴ در دومین مرحله)، لذا تعدیل کنندگی مورد تایید قرار می گیرد

می کند. نتایج مرحله اول تایید می کند که بین متغیر ملاک (طلاق عاطفی) و پیش بین (ذهنیت کودک آسیب پذیر) رابطه معنادار وجود دارد (شرط سوم پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶)) در بررسی نقش تعدیل کننده مقابله مساله مدار برای ذهنیت کودک آسیب پذیر و طلاق عاطفی به روش رگرسیون سلسله مراتبی، در مرحله اول مقدار بتای طلاق عاطفی بر روی ذهنیت کودک آسیب پذیر (۰/۱۹۴) محاسبه گردید که ضریب بدست آمده به صورت مثبت و معنادار است (p<۰/۰۱). برای کنترل نقش ذهنیت کودک آسیب پذیر و تعیین تعدیل کنندگی مقابله مساله مدار، رگرسیون سلسله مراتبی طلاق عاطفی روی ذهنیت کودک آسیب پذیر و مقابله مساله مدار محاسبه گردید. در این مرحله توان پیش بینی متغیر ذهنیت کودک آسیب پذیر نسبت به مرحله ای که به تنهایی وارد معادله رگرسیون شد تا حدودی کاهش یافت اما هنوز مقدار معنادار است (از بتا برابر با ۰/۱۹۴ در مرحله اول به بتا برابر با ۰/۱۸۲)، لذا تعدیل کنندگی مورد تایید قرار می گیرد.

بین مسیر ذهنیت کودک آسیب پذیر و مقابله هیجان مدار (۰/۰۲۷) رابطه معناداری وجود دارد. بین مسیر ذهنیت کودک آسیب پذیر و طلاق عاطفی (۰/۱۹۴) همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. در بررسی نقش تعدیل کنندگی مقابله هیجان مدار برای ذهنیت کودک آسیب پذیر و طلاق عاطفی، در مرحله اول مقدار بتای خشم مربوط به مدرسه بر روی ذهنیت کودک آسیب پذیر (۰/۱۹۴) محاسبه گردید که ضریب بدست آمده به صورت مثبت و معنادار است (p<۰/۰۱). برای کنترل



شکل ۳- مدل مقابله مساله مدار، مقابله هیجان مدار و مقابله اجتنابی به عنوان تعدیل کننده بین ذهنیت کودک آسیب پذیر و طلاق عاطفی

قرار گرفتند. ذهنیت والد تنبیه گر دارای رابطه مثبت و معنادار با سبک مقابله ای هیجان مدار می باشد. همچنین این ذهنیت دارای رابطه منفی و معنادار با سبک مقابله ای مسئله مدار می باشد. ذهنیت والد تنبیه گر دارای رابطه مثبت و معنادار با سبک مقابله اجتنابی می باشد؛ همچنین این ذهنیت دارای رابطه مثبت و معنادار مستقیم با طلاق عاطفی نیز می باشد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش ذهنیت والد تنبیه گر و کودک آسیب پذیر طرحواره ای در پیش بینی طلاق عاطفی؛ نقش تعدیل کننده ی سبک های مقابله ای بود. برای دستیابی به این هدف از یک طرح توصیفی همبستگی استفاده شد و داده ها از طریق روش رگرسیون سلسله مراتبی مورد تجزیه و تحلیل

می کند. به این ذهنیت کودک آسیب پذیر گفته می شود زیرا زمانی که فرد در این ذهنیت است حالتی در دردها و آسیب پذیری کودکانه را تجربه می کند. او ممکن است احساس ناتوانی، درماندگی و بیچارگی را در برابر احساساتش تجربه کند. این ذهنیت، تجارب تلخ و ناگوار کودک رها شده، کودک مورد بدرفتاری قرار گرفته، کودک محروم، کودک طرد شده را در بر می گیرد. او ممکن است به ذهنیت والد تنبیه گر برگردد و کودک رها شده را مجازات کند و نهایتاً ممکن است در قالب محافظ بی تفاوتی در آید که هیجانات خود را بلوکه می کند و از دیگران جدا می شود تا از خودش محافظت کند. موارد فوق یافته های حاصل از این پژوهش مبنی بر رابطه مثبت و مستقیم این ذهنیت طرحواره ای با طلاق عاطفی را تایید می نماید.

در سبک مقابله مسئله مدار فرد سعی می کند کاری انجام دهد تا استرس را از میان بردارد یا کاهش دهد و با استفاده از روش هایی مانند اقدام به عمل نمودن، فعالیت خاصی انجام دادن، راهنمایی گرفتن و مشورت کردن، برنامه ریزی کردن، جمع آوری اطلاعات، مطالعه کردن، استفاده از روش حل مسئله و ... به برطرف نمودن مشکل به وجود آمده بپردازد. تمام موارد فوق همچون یافته های پژوهش موید رابطه ی تعدیل کنندگی این سبک مقابله ای به صورت کاهنده در سیر حرکت شخص دارای ذهنیت طرحواره ای کودک آسیب پذیر به سمت طلاق عاطفی می باشد. در سبک مقابله اجتنابی ممکن است فرد تصمیم بگیرد که از دردهای ناشی از طرحواره هایش اجتناب کند، یعنی از موقعیت هایی که باعث فعال شدن طرحواره می شود، فاصله می گیرد. بنابراین فرد برای مقابله با مشکل دست به هیچ کاری نمی زند و به جای برخورد ریشه ای با مشکلات، وجود هر نوع مشکل را انکار می کند و امیدوار است که خود به خود حل و فصل شوند. اگر چه ممکن است اجتناب به طور موقت اضطراب را کاهش دهد، ولی در طولانی مدت موجب تنش بیشتری می شود. همانگونه که مشخص است و از نتایج این پژوهش نیز حاصل شد رویکرد مقابله ای اجتنابی برای شخص دارای ذهنیت کودک آسیب پذیر موجب افزایش تنش و بحران در چالش مواجهه با مشکلات حوزه طلاق عاطفی می باشد.

سبک مقابله ای دیگر هیجان مدار است. به کار گیری این سبک توسط شخص دارای ذهنیت طرحواره ای کودک آسیب پذیر موجب می گردد شخص برخلاف طرحواره عمل نماید. به عنوان مثال قبل از اینکه رها شود، خود او دیگران را رها می نماید. این نگرانی و اضطراب سبب می شود تا فرد از ابراز عواطف و هیجانات نسبت به شریک زندگی خود در موارد بسیاری چشم پوشی نماید. زیرا تصور می کند که ممکن است عمل وی اشتباه بوده و با واکنش های منفی همسر مواجه گردد

وقتی یک طرحواره فعال می شود و فرد از یک سبک مقابله ای استفاده می کند، در حالتی قرار می گیرد که به آن ذهنیت می گوئیم. طرحواره ها و پاسخ های مقابله ای آن ها در کنار یکدیگر گروه هایی را تشکیل می دهند که این گروه ها، بخش هایی از خویشتن فرد به شمار می روند. ذهنیت والد تنبیه گر در بیماران مبتلا به اختلال شخصیت مرزی و افسردگی شدید بیشتر دیده می شود. افراد دارای این ذهنیت، ممکن است خود را شیطان صفت، کثیف، یا بدسرشت بدانند و خودشان را تنبیه کنند. این خود می تواند موید رابطه مثبت این ذهنیت طرحواره ای با طلاق عاطفی حاصل شده از نتیجه ی این پژوهش باشد. سبک های مقابله ای به صورت متغیرهای مداخله گر بر روی زمینه سازی بروز طلاق عاطفی در افراد دارای ذهنیت والد تنبیه گر تاثیر گذار هستند.

ویژگی اصلی سبک مقابله اجتنابی، دوری گزیدن از عامل استرس زا است به گونه ای که از پرداختن به موضوع دوری می کند. از سویی مقابله هیجان مدار نیز مطابق یافته های این پژوهش با تصمیم گیری های احساسی، گاه هیجانی نقش تقویت کننده در سیر حرکت افراد دارای ذهنیت طرحواره ای والد تنبیه گر به سمت طلاق عاطفی دارد به نوعی هیچ یک از این دو سبک مقابله ای به دلیل اینکه از مقابله ها و حل مسئله های خطرناک و ناسالم استفاده می کند و از راه حل های عجولانه برای فرار از موقعیت های استرس زا استفاده می کنند تبعات بهره گیری از این دو سبک مقابله ای این است که مشکل حل نمی شود بلکه مشکل های دیگری ایجاد می شود که ضرر آن مشکل از مشکل اولیه بیشتر است. استفاده از راهبردهای مقابله ای ناسازگار، تحریف های شناختی و ادراک منفی نسبت به خود، دیگران، دنیا و آینده همراه است که این عوامل نخست باعث کاهش روابط مثبت و سازنده با همسر و در نهایت باعث طلاق عاطفی می شوند لذا گزینه های مناسبی برای افراد دارای ذهنیت والد تنبیه گر در هنگام چالش بروز نشانه های طلاق عاطفی نمی باشند.

ذهنیت کودک آسیب پذیر دارای رابطه مثبت و معنادار با سبک مقابله ای هیجان مدار می باشد. ذهنیت کودک آسیب پذیر دارای رابطه منفی و معنادار با سبک مقابله ای مسئله مدار میباشد. ذهنیت کودک آسیب پذیر دارای رابطه مثبت و معنادار با سبک مقابله اجتنابی می باشد؛ همچنین ذهنیت کودک آسیب پذیر دارای رابطه مستقیم و مثبت با طلاق عاطفی می باشد.

می توان گفت که ذهنیت کودک آسیب پذیر حالتی است که در آن عواطف دردناک طرحواره به طور کامل و مستقیم تجربه می شود. مثلاً یک فرد دارای طرحواره رهاشدگی ممکن است غرق در احساسات سوگ و افسردگی شود، زمانی که معشوقش ترکش

- relationship satisfaction. *Personal Relationships*. 2015; 20(2): 328- 355.
- [5] Alagheband L, Pasha Sharifi H, Farzad V, Aghayousefi A. A Model for Predicting Emotional Divorce Based on Emotional Literacy, Coping Styles, Quality of Life, and Excitement Mediated by Emotion Regulation. *Journal of Medical School*. 2019; 62(4,1):388-402. [Persian]
- [6] Gottman J, M. A Theory of Marital Dissolution and Stability. *Journal of Family Psychology*. 1993; 7(1): 57-75.
- [7] Safaei Rad S, Varaste Far A. The Relationship between Marital Conflict and Emotional Divorce of Women Referred to East Tehran Court. *Journal of Social Research*. 2013; 20:85-106. [Persian]
- [8] Barzoki M H, Tavakoll M, Burrage H. Rational-Emotional 'Divorce' in Iran. *Applied Research in Quality of Life*. 2015; 10(1): 107-122.
- [9] Rezaei AM, Mirzade Kouhshahi F, Yaghoubi Toriki E. Couples' emotional interactions and its role in emotional divorce and divorce attempt: A qualitative research. *Family Research Quarterly*. 2017; 52(13):44-55. [Persian]
- [10] Rashid KH, Moradi A. Determining the role of communication variables in predicting emotional divorce. *Sociological research*. 2017; 16(10):133-151. [Persian]
- [11] Shomali Ahmadabadi M, Aghaei Meibodi F, Mohammadi Ahmadabadi N, Barkhordari Ahmadabadi A. The effectiveness of emotional literacy skills training on reducing emotional divorce and loneliness in unfaithful women. *Growth Psychology*. 2020; 9(6):67-76. [Persian]
- [12] Munday I, Kneebone I, Newton-John T. The language of chronic pain. *Disabil Rehabil*. 2019; 1-8.
- [13] Khoshouei M. The relationship between humor and stress and coping styles in university students. *Journal of Education and Learning Studies*, Shiraz University. 2009; 1(1):87-102. [Persian]
- [14] Cohen J. N, Jensen D, Dryman M T, Heimberg R G. Enmeshment schema and quality of life deficits: The mediating role of social anxiety. *J Cog Psychother*. 2015; 29(1):20-31.
- [15] Lobbestael J, Arntz A, Sieswerda S. Schema modes and childhood abuse in borderline and antisocial personality

که این مساله به مرور زمان ابتدا باعث گسستگی عاطفی زوجین و در نهایت باعث طلاق عاطفی آنها می شوند. بطور کلی می توان گفت که اگر در مقابل دو ذهنیت والد تنبیه گر و کودک آسیب پذیر شخص سبک های مقابله ای هیجان مدار و مقابله اجتنابی را در پیش گیرد این موضوع باعث خواهد شد که طلاق عاطفی با قوت بیشتری رخ دهد یا احتمال وقوع آن را افزایش دهد؛ اما اگر شخص در هنگام مواجهه با ذهنیت های والد تنبیه گر و کودک آسیب پذیر سبک مقابله ای مسئله مدار را اختیار کند احتمال کاهش وقوع طلاق عاطفی وجود خواهد داشت.

نمونه مورد بررسی، دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم بوده اند و در تعمیم یافته ها به سایر جمعیت ها باید احتیاط شود. پیشنهاد می شود که در پژوهش های آتی پیشایندهای مؤثر کیفیت زندگی زناشویی که ترکیبی از عوامل شخصی و محیطی هستند مورد بررسی قرار گیرند. پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده، رابطه سایر متغیرهای روانشناختی از جمله ویژگی های شخصیتی، عوامل خانوادگی و رضایت جنسی با طلاق عاطفی مورد بررسی قرار گیرد.

واژه نامه

1. Folkman and Lazarus	فولکمن و لازاروس
2. Lobbestael	لابستایل
3. Gottman	گاتمن
4. Varimax	واریماکس
5. Scree	اسکری
6. Andler & Parker	اندلر و پارکر
7. Pearson correlation	همبستگی پیرسون
8. Baron and Kenny	بارون و کنی

فهرست منابع

- [1] Alagheband L, Pasha Sharifi H, Farzad V, Aghayousefi A. Predicting emotional divorce based on emotional literacy, coping styles, quality of life, excitement mediated by resilience. *Journal of Psychological Sciences*. 2020; 19(90):733-743. [Persian]
- [2] Safaei H, Emami A. Marriage and its dissolution. Seventh edition; University of Tehran Press. 2009. [Persian]
- [3] Kanter JB, Proulx CM, Monk JK. Accounting for Divorce in Marital Research: An Application to Growth Mixture Modeling. *Journal of Marriage and Family*. 2019; 81(2): 520-530.
- [4] Mattson R E, Rogge R D, Johnson M D, Davidson E K, Fincham F D. The positive and negative semantic dimensions of

- Saqez, Islamic Azad University, Saqez Branch. 2014. [Persian]
- [20] Mousavi F, Rahimi nejad A. Comparison of interpersonal identities of married men and women according to the status of emotional divorce. *Journal Of Applied Psychological Research*. 2015; 6(1):11-23.
- [21] Endler NS, Parker JDA. Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*. 1990; 58, 844-854.
- [22] Hassan shahi MM, Daraei M. The effect of stress coping strategies on students' mental health: The moderating effect of psychological hardiness. *Journal of Knowledge and Research in Psychology*. 2005; 26. [Persian]
- disorders. *J Behav Ther Exp Psych*. 2005; 36(3): 240-53.
- [16] Hanaei N, Mahmood Aliloo M, Bakhshi Poor Roodsari A, Akbari E. Schematic mentalities, child abuse experiences, and attachment styles in borderline personality disorder. *ClinicalPsychologi&Personality(D aneshvar-e-raftar)* .2015;13(12):1-11. [Persian]
- [17] Gottman JM , DeClaire J. *Raising an Emotionally Intelligent Child: The Heart of Parenting*. New York: Simon & Schuster.1997.
- [18] Ahmadloo M, Zeinali A. Predicting emotional divorce based on diversity, negative perfectionism and insecure attachment in working women in Urmia. *Iran Occupational Health*.2018; 15(2):59-68. [Persian]
- [19] Mami Sh, Askari M. The role of self-differentiation and attachment styles in predicting emotional divorce. *Regional Conference on the Pathology of Divorce*,

